

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روش تفسیری امام سجاد علیه السلام

احمد داوری^۱

Davariahad.blog.ir

چکیده:

روش تفسیری به منابع مورد استفاده مفسران در یافتن مراد جدی خداوند متعال اطلاق می‌گردد که تبیین آن می‌تواند در فهم بهتر تفاسیر یاری کند و بررسی روش تفسیری اهل بیت علیهم السلام می‌تواند علاوه بر فهم عمیق تفاسیر آگاه‌ترین معلمان قرآن، برای مفسران و پیروان آنها به عنوان راهنما، راهگشا و الگو باشد. نویسنده در این نوشتار پس از ذکر اهمیت بحث از روش تفسیری حضرت علی بن الحسین علیه السلام، با تحلیل روایات تفسیری و ادعیه آن حضرت سعی نموده است تا روش تفسیری امام سجاد علیه السلام را بیان کرده و در نهایت به این نتیجه برسد که مهم‌ترین روش‌های تفسیری حضرت عبارت‌اند از: قرآن به قرآن، قرآن به روایت، استفاده از منابع تاریخی، استعانت از عقل برهانی و تفسیر بر اساس علم امامت که گاهی در تفسیر یک آیه به صورت همزمان از چندین روش استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: روش تفسیری، روایات تفسیری امام سجاد علیه السلام، تفسیر، تأویل، امام سجاد علیه السلام، قرآن کریم.

۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم؛ ahaddavari@gmail.com

مقدمه

بر اساس حدیث ثقلین، اهل بیت علیهم السلام همپای قرآن هستند و همواره تا قیامت در کنار قرآن خواهند بود؛ لذا در تبیین حقایق قرآنی یا ارائه راهکارها فهم کتاب آسمانی، دقیق‌ترین و بهترین روش‌ها را بیان خواهند کرد، ائمه علیهم السلام با توجه به نیاز بشر به تفسیر و تبیین آیات قرآن پرداخته‌اند، بر این اساس می‌توان آن‌ها را در کنار سایر ویژگی‌ها، معلمان روش‌های تفسیری نیز دانست، به بیان دیگر یکی از نقش‌های اساسی اهل بیت علیهم السلام در ضمن بیان روایت‌های تفسیری، تعلیم اسلوب و روش فهم قرآن بوده است^۱ و رهیافت به روش صحیح تفسیر که همان روش راسخان در علم است ما را بر آن می‌دارد تا به بررسی روش تفسیری آن‌ها بپردازیم تا علاوه بر جداسازی سره از ناسره، روش صحیح تفسیری به عنوان الگو نیز ارائه دهیم؛ هرچند به جهت تدوین دقیق روش تفسیری، باید به‌طور مجزا روش تفسیر هر یک از اهل بیت علیهم السلام را تحلیل کرد، در این میان بررسی روش تفسیری امام سجاد علیه السلام از جهاتی حائز اهمیت خاص است که اهمیت تفسیر امام سجاد علیه السلام را هم برای عموم مسلمانان اثبات می‌کند و هم برای شیعه به‌طور خاص تثبیت می‌نماید، حضرت علی بن الحسین علیهما السلام برای عموم مسلمانان به عنوان یکی از تابعان دانشمند مطرح است و علمای فریقین به مقام شامخ علمی آن حضرت معترف‌اند^۲ و بررسی تفسیر تابعان با توجه به نزدیکی به زمان نزول آیات، دارای اهمیت بوده و از جمله میراث علمی مسلمانان است^۳. به‌ویژه که امام چندین نفر از تابعان مفسر را تربیت کرده است^۴ و افرادی همچون ابو حمزه ثمالی و جابر جعفی و ابو خالد کابلی بیش از دیگر مفسران از امام علیه السلام روایت کرده‌اند^۵ و لازم است تا روش تفسیر استاد این شاگردان تبیین گردد. از سوی دیگر حضور عالمان اهل تسنن در مجالس علمی آن حضرت، بیانگر جایگاه والای علمی و فعالیت‌های مفید علمی و حدیثی ایشان است، در محضر درس آن حضرت حتی از گروه‌هایی از اهل سنت و گاهی از بنی‌امیه حضور داشتند، زهری از بزرگان علم و فقه آن روزگار و از وابستگان به دربار از جمله این افراد بود^۶. شخصیت

۱. تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۴۴۶ و ۴۴۷

۲. ر. ک. حیاة الإمام زین العابدین علیه السلام، ج ۱، ص ۱۲۳-۱۴۸

۳. تفسیر التابعین، ج ۲، ص ۹۱۳

۴. ر. ک. تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۲۵۳ و ۲۵۴

۵. طبقات مفسران شیعه، ص ۱۵۳

۶. شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۷۲.

حضرت در نزد اهل تسنن تا اندازه‌ای است که حتی در صحیح بخاری و صحیح مسلم نیز روایاتی از حضرت نقل شده است.^۱

از دیدگاه شیعه، ائمه اطهار به پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بنا به آیات قرآن از جمله آیه «وَمَا يَخْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»^۲ از راسخان در علم و آگاه‌ترین افراد به معانی قرآن می‌باشند^۳ و سنت آن‌ها در تفسیر حجیت دارد^۴ از طرف دیگر هدایت در همه جنبه‌ها از وظایف امام است^۵ و یکی از مهم‌ترین جنبه‌ها، نحوه فهم قرآن است به‌ویژه که تأکید امام بر اهمیت قرآن از جمله در معرفی آن به‌عنوان خزائن پروردگار^۶ و فرقان بودن قرآن برای حلال و حرام^۷ و... نیازمند فهم و روشمند بودن آن است و چه بهتر که روش خود گوینده این سخنان در فهم استخراج گردد. به‌ویژه که تأکید زیادی بر انس با قرآن در سیره حضرت دیده می‌شود.^۸ شناخت بهتر احادیث تفسیری صادرشده از امام علیه‌السلام از دیگر ثمرات بررسی روش تفسیری آن حضرت است هرچند که هدف اصلی را می‌توان ارائه الگویی مناسب در روش تفسیری دانست.

از طرف دیگر توجه به شرایط زندگی امام علیه‌السلام، حداقل بیانگر این نکته خواهد بود که در سخت‌ترین شرایط هم می‌توان با قرآن مانوس شد و به تبیین معارف قرآن از طریق تفسیر روشمندانه آیات پرداخت. گفتنی است علی بن الحسین بن ابیطالب علیهم‌السلام، ملقب به «زین‌العابدین» و «سجاد» امام چهارم شیعیان در سال ۳۸ متولد و در سال ۹۵ در مدینه به شهادت رسید.^۹ آن حضرت در محرم سال ۶۱ پس از فاجعه کربلا به امامت رسید و روایاتی که از حضرت نقل شده مربوط به دوره امامت حضرت است، دورانی که خفقان شدیدی بر زندگی حضرت حاکم بود به‌طوری‌که امام تعداد محبان واقعی خود را در مکه و مدینه کمتر از ۲۰

۱. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹، ج ۴، ص ۴۱، ج ۶، ص ۱۲۳، ج ۷، ص ۱۲۳؛ الجامع الصحیح، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ج ۴، ص ۳۳ و ۳۴، ج ۷، ص ۱۴۱

۲. آل‌عمران: ۷

۳. الکافی، ج ۱، ص ۵۲۸؛ بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۰۴؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۹۷.

۴. منطق تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۱۰۷-۱۰۵

۵. العقیده الاسلامیه، ص ۲۰۰-۲۰۳؛ پیام قرآن؛ ج ۹، ص ۱۱۶ و ۱۱۷

۶. عن الزهري، قال: سمعتُ عليَّ بنَ الحسينِ عليهما السلام يقول: «آياتُ القرآنِ خزائنٌ، فكلَّمَا فُتِحَتْ خِزَانَتُهُ، يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ مَا فِيهَا» (الكافي، ج ۴، ص ۶۱۸).

۷. «وَ قُرْآنًا فَرَّقَتْ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَ حَرَامِكَ» (صحیفه سجادیه دعای ۴۲ بند ۲)

۸. از جمله امام می‌فرماید: «لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ، لَمَا اسْتَوْحِشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ»؛ الکافی، ج ۴، ص ۶۰۳؛ همچنین امام بارها به تلاوت زیبای قرآن پرداخته به‌طوری‌که نقل شده است: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام، قَالَ: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ، وَ كَانَ السَّمْعَاءُ وَنَ يَمُرُّونَ، فَيَقْفُونَ بِنَابِهِ يَسْمَعُونَ قِرَاءَتَهُ» (همان، ص ۶۳۳).

۹. الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۷.

نفر می‌داند^۱ و در تشبیهی در تشبیهی مردم زمان خود را به شش دسته تقسیم می‌کند و مؤمنان را همچون گوسفندانی می‌داند که میان چنگال شیر و گرگ و روباه و سگ و خوگ در مانده است^۲ و کنترل شدید حکومت جبار اموی بر امام را چنین بیان کرده است:

«فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَىٰ عَلَيَّ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ، وَ شَحَذَ لِي ظُبَّةَ مُدَيَّتِهِ، وَ أَرْهَفَ لِي شَبَابَ حَدِّهِ، وَ دَافَ لِي قَوَاتِلَ سُومِيهِ، وَ سَدَدَ نَحْوِي صَوَائِبَ سِهَامِهِ، وَ لَمْ تَنْمُ عَنِّي عَيْنٌ جِرَاسِيَتِهِ، وَ أَضْمَرَ أَنْ يَسُومِنِي الْمَكْرُوهَ، وَ يُجَرِّعَنِي زُعَاقَ مَرَارَتِهِ... وَ كَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ، وَ نَصَبَ لِي شَرَكَ مَصَائِدِهِ، وَ وَكَّلَ بِي تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ، وَ أَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ أَنْظَارًا لِأَنْتِهَازِ الْفُرْصَةِ لِفَرِيَسَتِهِ، وَ هُوَ يُظْهِرُ لِي بَشَاشَةَ الْمَلَقِ، وَ يَنْظُرُنِي عَلَيَّ شِدَّةَ الْحَقِّ»^۳

پس چه بسا دشمنی که شمشیر دشمنی‌اش را در برابر من از نیام برکشیده و لبه تیغش را برای من تیز کرده و تیغه‌اش را برای من صیقل داده و زهرهای مرگبارش را برای من با آب مخلوط ساخته و مرا در برابر تیرهایی که هرگز به خطا نمی‌روند هدف قرار داده و چشم نگاهبانش هیچ‌گاه از من برداشته نشده و نخفته است و در دل خواسته که شرّ و بدیم به من برسد و قصد نموده که از آب تلخ و ناگوار آن شرّ به من بنوشاند... و چه بسیار ظالمی که با مکر و حيله بر من ستم نمود و در برابر من دام شکارش را گسترانید و مراقبت و جستجویش را بر روی من متمرکز ساخت و در کمین من نشست آن‌سان که درندگان در کمین شکارشان می‌نشینند و در انتظار به چنگ آوردن فرصت برای شکار طعمه خویش‌اند درحالی‌که دشمن من در ظاهر به من روی خوش نشان می‌دهد و تملق می‌گوید و در عین حال با خشمی تند به من نگاه می‌کند.

ازلحاظ عقیدتی با پیدایش مرجئه و قائلان به تشبیه، بیان حقایق اسلام ناب محمدی از جمله تفسیر آیات با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده بود؛ به طوری که امام حتی آشکارا نمی‌توانست به مردم نادان که خدا را به مخلوقات تشبیه می‌کردند پاسخ دهد؛ لذا گاهی که چنین مباحثی در مسجد پیامبر مطرح می‌شد خود را به کنار قبر پیامبر می‌رساند و به صورت مناجات صدای خویش را بلند می‌کرد و با زبان دعا سخنانی را بر زبان جاری می‌ساخت تا عقاید صحیح را به مردم بیان کند از جمله در یکی از این موارد چنین دعا می‌کند: «إِلَهِي بَدَتْ قُدْرَتُكَ وَ لَمْ تَبْدُ هَيْئَةً فَجَهَلُوكَ وَ قَدَرُوكَ بِالتَّقْدِيرِ عَلَيَّ غَيْرِ مَا بِهِ أَنْتَ شَبَّهُوكَ وَ أَنَا بَرِيءٌ يَا إِلَهِي مِنَ الَّذِينَ بِالتَّشْبِيهِ طَلَبُوكَ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ»^۴.

با توجه به اهمیت روش تفسیری امام سجاد علیه‌السلام پژوهشگران در این باره تلاش‌هایی کرده و مقاله‌هایی تدوین کرده‌اند؛ از جمله مقاله ۸ صفحه‌ای «امام سجاد و روش‌های تفسیری» در شماره ۵۷ فرهنگ کوثر به قلم محمدعلی اسدی نسب و مقاله ۱۷ صفحه‌ای «امام سجاد علیه‌السلام و قرآن» که توسط سهیلا جلالی

۱. الغارات، ج ۲، ص ۵۷۳؛ شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۴

۲. ر. ک. الخصال، ج ۱، ص ۳۳۹

۳. صحیفه سجادیه، دعای ۴۹ بند ۵ الی ۸

۴. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۸۹؛ الارشاد، ج ۲، ص ۱۵۳

کندری؛ عذرا میثاقی در شماره ۶۸ فصلنامه بینات چاپ شده است. همچنین مقاله‌ای که از سوی منصور پهلوان و معصومه آگاهی در شماره ۲۷ فصلنامه سفینه با عنوان «جایگاه تأویل در روایات تفسیری امام سجاد علیه‌السلام» منتشر شده است. البته هر یک از مقالات فوق و سایر کتب و پایان‌نامه‌هایی که به‌طور کلی یا جزئی به بررسی روش تفسیری اهل‌بیت علیهم‌السلام پرداخته‌اند^۱ هرکدام گوشه‌هایی از بحث را مطرح کرده و چه بسا اشکالاتی نیز دارند مثلاً گاهی به روایاتی استناد کرده‌اند که منافی عصمت انبیاء است.^۲

با بیان فوق در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات هستیم: حضرت علی بن‌الحسین علیه‌السلام به‌عنوان یک مسلمان عالم از چه شیوه‌ای برای تفسیر قرآن بهره گرفته است؟ در مرحله بالاتر حضرت زین‌العابدین علیه‌السلام به‌عنوان یک تابعی از چه شیوه‌ای برای تفسیر آیات قرآن استفاده کرده است؟ و اگر باز به‌مراتب بالای حضرت در دیدگاه شیعه دقت کنیم این سؤال به ذهن می‌رسد که امام چهارم شیعیان، حضرت سجاد علیه‌السلام از چه روش یا روش‌هایی برای تفسیر آیات قرآن بهره برده است؟

برای پاسخ به سؤالات فوق با جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و سپس تحلیل روایات تفسیری نقل شده از امام سجاد علیه‌السلام سعی شده تا مهم‌ترین روش‌های تفسیری حضرت روشن گردد؛ البته در کنار روایات تفسیری از ادعیه نقل شده حضرت به‌ویژه صحیفه سجادیه نیز استفاده شده است. در این میان توجه به نکات زیر ضروری می‌نماید:

الف: محور بررسی روایاتی است که از حضرت به دست ما رسیده^۳ یا از برخی ادعیه برداشت می‌شود، بی‌شک یافتن روایات جدید احتمال تغییر در تبیین روش تفسیری را به ارمغان خواهد آورد. البته فقط روایت

۱. از جمله مواردی که در جستجوهای مختلف سایت‌ها و دانشگاه‌ها به دست آمد عبارت‌اند از: مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۲۹-۱۳۶؛ بنگری، عبدالله، روش و مبانی تفسیر اهل‌بیت (ع)؛ استاد راهنما: محمد هادی معرفت، دانشکده‌اصول دین قم، ۱۳۷۹؛ رستمی، علی‌اکبر، روش‌شناسی تفسیر معصومان، استاد راهنما: محمد هادی معرفت، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۷۹ (که به شکل کتاب نیز از سوی انتشارات کتاب مبین نیز منتشر شده است)، صبوری، امید، بررسی نقش صحیفه سجادیه در تفسیر قرآن، استاد راهنما: محسن صمدانیان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷، شریفانی، محمد، منهج تفسیری اهل‌بیت علیهم‌السلام، استاد راهنما: محمدباقر حجتی، مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم، ۱۳۷۳. خوش‌رنگ، محبوبه، گونه‌شناسی مکتب تفسیری امام سجاد «علیه‌السلام» با تأکید بر جریان‌ات عصری، استاد راهنما: محسن قاسم‌پور، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۱.

۲. «امام سجاد و روشهای تفسیری»، ص ۳۰ و ۳۱. در روایتی که از علل الشرایع (ج ۱، ص ۴۵ و ۴۶) نقل کرده از قول خداوند خطاب به حضرت یعقوب علیه‌السلام به دلیل عدم اطعام فردی در روز جمعه آمده است: «تو بنده مرا ذلیل کردی و به این سبب غضب مرا برانگیختی و تو مستحق تأدیب و نزول عقوبت من شدی و بالای من دامن گیر تو و فرزندت خواهد شد.» که این روایت با عصمت انبیاء سازگار نیست. هرچند تفسیر نمونه آن را فقط ترک اولی دانسته و توجه می‌کند. (تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۴۷).

۳. طبق یک بررسی آماری، روایات تفسیری امام سجاد علیه‌السلام، به بیش از ۲۹۶ روایت می‌رسد که انواع این روایات و تعداد آن‌ها به شرح زیر است:

الف: روایات تفسیری: شامل روایات تبیین‌گر آیات و الفاظ و روایات شرح دهنده که ۹۹ روایت است.

ب: روایات استناد و اقتباس: شامل روایاتی که وقایع عصر را به آیات قرآن استناد می‌دهد که تعداد آن به ۸۴ روایت است

ج: روایات جری و تطبیق: شامل روایات بیان‌گر معنای باطن و تعیین‌کننده مصداق ظاهر و باطن بوده و تعداد آن به ۶۳ روایت می‌رسد

تفسیری مورد مطالعه قرار می‌گیرد نه همه روایات. میزان روایات به برخی عوامل نیز بستگی دارد، از جمله: نیاز مسلمانان به تفسیر و مراجعه به حضرت برای رفع نیاز، توان علمی و اعتقادی مخاطبان برای فهم مطالب تفسیری (توجه امام به سطح علمی و اعتقادی مخاطبان)^۱، وجود شرایط و فضای مناسب برای بیان مباحث تفسیری، رسیدن روایات منقول از حضرت به نسل‌های بعد و قرن اخیر و دسترسی به آن‌ها، عدم جعل، سهو و اشتباه راویان در نقل احادیث امام و... همچنین تبیین کامل روش تفسیری امام نیازمند بررسی روش تفسیری شاگردان و سایر معاصران حضرت نیز است که به جهت اختصار از بررسی آن در این مجال خودداری می‌گردد.

ب: در بررسی سندی فقط به حداقل ممکن اکتفا شده است؛ یعنی تطبیق محتوای روایت با کلیات اسلام و عدم مخالفت با اصول مسلم شریعت نظیر عصمت لحاظ شده است، چراکه بررسی تک‌تک روایات مجال دیگری می‌طلبد، البته در مورد مطالب منقول از صحیفه سجادیه قائل به تواتر هستیم.^۲

ج: در روش تفسیر با علم امامت اشاره خواهد شد که امام همانند سایر مردم نیازی به استفاده از روش‌های مختلف تفسیری برای فهم آیات وحی ندارند و هر آنچه بیان می‌کنند برای فهم دیگران است. (این مسئله قابل بررسی به‌عنوان پژوهشی مجزا است).

د: بررسی مسئله تأثیر شرایط زمانی در روش تفسیر حضرت و مقایسه روش تفسیری آن امام با سایر تابعان از موضوعات مرتبط با این پژوهش بوده که مجال دیگری می‌طلبد.

ه: در مورد هر یک از آیات و مثال‌های ذکر شده نیاز به توضیحات برای فهم بهتر مفهوم آیه است که به جهت رسالت بحث و اختصار به حداقل ممکن اکتفا شده است.

مفهوم شناسی

برای تلقی همسان از واژگان و تکمیل فرایند انتقال پیام به خواننده ناگزیر باید برخی واژگان و اصطلاحات را توضیح داد که در پژوهش مکرر به کار گرفته می‌شود و اهمیت خاصی در فرایند تحلیل دارند. از این روی به

د: روایات علوم قرآن: شامل روایات بیانگر شأن نزول، قرائت، فضایل آیات و اولین و آخرین آیات نازل که ۳۷ روایت را در بردارد.

ه: روایات احکام: این قسمت ۱۵ روایت در بردارد.

و: روایات عمل به مضمون آیه که شامل ۸ روایت هست. («امام سجاد علیه‌السلام و قرآن، جایگاه قرآن در روایات تفسیری امام سجاد علیه‌السلام»، ص ۲۵).

۱. در مورد ادعیه چون مخاطب خداست چنین موردی مطرح نمی‌شود.

۲. «ولا شک لنا فی أنها من سید الساجدین، اما من جهة الاسناد فإنها كالقرآن المجید و هی متواترة من طرق الزیدية ایضا و اما من حیث العبارة فهی اظهر ان یذکر فهو كالقرآن المجید فی نهاییة الفصاحة و اما من جهة الاحاطة بالعلوم الالهیة فهو ایضا ظاهر لمن کان ادنی معرفة بالعلوم» (بحارالانوار، ج ۱۰۷، ص ۵۹. نیز ر. ک. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۸؛ «اسناد و مشایخ راویان صحیفه کامله»، ص ۲۶-۶۹).

دلیل اختلاف نظر علما، واژه تفسیر، تأویل و اصطلاح روش تفسیری تبیین می‌گردد تا بتوان تعریف روشنی از «روش تفسیری امام سجاد علیه‌السلام» ارائه نمود.

الف: تفسیر و تأویل

تفسیر «بیان مفاد استعمالی آیات قرآن و کشف مراد خداوند و مقاصد الهی از آن بر مبنای قواعد ادبیات عرب و اصول محاوره عقلانی است»^۱

«تأویل» قرآن، طبق ظاهر آیات کریمه (آیاتی که دربردارنده کاربرد تأویل در مورد قرآن کریم است) و روایات مربوط به آن، آن قسم از معانی و مصادیق آیات کریمه است که جز خدای متعال و راسخان در علم [نبی اکرم (ص) و ائمه اطهار علیه‌السلام] کسی آن را نمی‌داند و فهمیدن آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول محاوره امکان‌پذیر نیست.^۲

بنا بر معنای تفسیر و تأویل مقصود از احادیث تفسیری، احادیثی است که به شأنی از شئون آیات قرآن کریم (از قبیل نزول، قرائت، بیان معنای ظاهری، بیان معنای باطنی، تنزیل یا تأویل) مربوط باشد^۳ به بیان دیگر روایت تفسیری روایتی است که بخشی از آیه، در آن مذکور باشد و یا روایت، ناظر به آیه‌ای باشد که خود آیه در حدیث مذکور نیست اما حدیث، به بیان مراد خداوند در آن آیه پرداخته و یا زمینه فهم آن را فراهم ساخته است؛ بنابراین معنای باطنی که امام در احادیث خود به آن‌ها اشاره کرده است در محدوده بررسی قرار می‌گیرد.

ب: روش تفسیری

محققان در مورد روش تفسیر معنای یکسانی ارائه نکرده‌اند؛ لیکن در این نوشتار مقصود از «روش»، استفاده از ابزار یا منبع خاص، در تفسیر قرآن است که معنای و مقصود آیه را روشن ساخته و نتایج مشخصی را به دست دهد.^۴ به تعبیر دیگر «روش تفسیری» استفاده از منابع ویژه در کشف مراد جدی خداوند است.^۵

۱. روش تفسیر قرآن، ص ۱۲؛ مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۱۶.

۲. روش تفسیر قرآن، ص ۱۸.

۳. اسباب اختلاف حدیث، ص ۴۶۵-۴۶۶.

۴. «روایات تفسیری شیعه: گونه‌شناسی و حجیت»، ص ۶.

۵. تفسیر فریقین، ص ۲۷-۲۹.

۶. منطق تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۲۲؛ روشهای تفسیر قرآن، ص ۱۶۵.

۷. تفسیر فریقین، ص ۳۰ و ۳۴.

روش‌های تفسیری امام سجاد علیه‌السلام

امام سجاد علیه‌السلام برای کشف مراد جدی خداوند از آیات قرآن کریم از چندین روش (ابزار یا منابع) استفاده کرده است که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

الف: روش تفسیر قرآن به قرآن

روش تفسیر قرآن به قرآن، قدیم‌ترین روش تفسیری است که توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سپس ائمه اهل‌بیت علیهم‌السلام مورد استفاده قرار گرفته است^۱ و نمونه‌هایی از استفاده امام سجاد علیه‌السلام از این روش تفسیری یافت می‌شود، از جمله:

«عن أبي جعفر، عن أبيه عليهما السلام قال: ما بعث الله نبيا الا اعطاه الله من العلم ما خلا النبي صلى الله عليه وآله فانه اعطاه من العلم كالا، فقال «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» و قال: «وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» و قال: «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» و لم يخبر أن عنده و لمن لا يقع من الله على الجميع و قال لمحمد صلى الله عليه وآله «ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» فهذا الكل و نحن المصطفون و قال النبي صلى الله عليه وآله: فيما سأل ربه: «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» فهي الزيادة التي عندنا من العلم الذي لم يكن عند أحد من الأنبياء والأوصياء و لا ذرية الأنبياء غيرنا فهذا العلم علمنا المنيا و البلايا و فصل الخطاب»^۲.

امام باقر علیه‌السلام از امام سجاد علیه‌السلام نقل کرده که حضرت فرمودند: خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه قسمتی از علم را به وی اعطاء کرده است، به جز پیامبر اسلام که همه علم را به حضرت اعطاء کرده است، چرا که برای پیامبر کتابی فرستاده که «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ»^۳ است، درحالی‌که برای حضرت موسی با عبارت «وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ»^۴ و برای جانشین سلیمان^۵ با تعبیر «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ»^۶ بیان کرده است که فقط قسمتی از علم را دارا بودند، درحالی‌که برای حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همه انبیاء قبلی را عطا فرموده بود: «ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا»^۷ و ما همان بندگان برگزیده پروردگار هستیم که این علم را به ارث برده‌ایم و زمانی که

۱. منطق تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۵۱

۲. تفسیر فرات، ص ۴۷؛ بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۶۴ و ۶۵؛ مسند الإمام السجاد علیه‌السلام، ج ۱، ص ۴۱۹.

۳. نحل: ۸۹

۴. اعراف: ۱۴۵

۵. «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص عَنْ قَوْلِ اللَّهِ جَلَّ شَأْنُهُ- قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ قَالَ ذَاكَ وَصِيُّ أَخِي سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ» (الأمالي للصدوق، ص ۵۶۴).

۶. نمل: ۴۰

۷. فاطر: ۳۲

پیامبر اسلام از خداوند درخواست علم بیشتر کرده و عرض نمود: «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»^۱ این زیادت در نزد ما اهل بیت است که هیچ یک از انبیاء و اوصیا و فرزندان انبیاء غیر از ما نداشتند و همان علم «منايا، بلايا و فصل الخطاب» است. در روایت دیگری امام برای تبیین معنای واژه‌ای در آیه ۱۸ سوره سبأ از آیات ۵۹ کهف، ۸۲ یوسف و ۸ طلاق کمک گرفته است.^۲

گاهی تفسیر قرآن به قرآن در ادعیه حضرت مشاهده می‌شود؛ به‌عنوان نمونه حضرت در دعای وداع با ماه رمضان از درگاه احدیت با استناد به آیات ۱۶۰ سوره انعام، ۲۶۱ بقره و ۲۴۵ بقره درخواست می‌کند تا خداوند حسنات ماه رمضان را مضاعف نماید:

«وَ أَنْتَ الَّذِي زِدْتَ فِي السَّوْمِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ، تُرِيدُ رِبْحَهُمْ فِي مَتَاجِرَتِهِمْ لَكَ، وَ فَوْزَهُمْ بِالْوَفَادَةِ عَلَيْكَ، وَ الزِّيَادَةَ مِنْكَ، فَقُلْتَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَ تَعَالَيْتَ: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا، وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا»^۳ وَ قُلْتَ: «مِثْلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمِثْلِ حَبَّةِ أُبْتَتِ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ، وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ»^۴، وَ قُلْتَ: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً»^۵. وَ مَا أَنْزَلْتَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ فِي الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعِيفِ الْحَسَنَاتِ. وَ أَنْتَ الَّذِي دَلَّلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ وَ تَرغيبِكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ عَلَى مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُذَرِكْهُ»^۶.

ب: روش تفسیر قرآن به روایت

روایت یعنی قول، فعل و تقریر معصوم علیه‌السلام^۷؛ در روش قرآن به روایت، برای تفسیر یک آیه، به روایات نقل شده از معصومان استناد کرده و به کمک آن روایات، آیه را تفسیر می‌کنند،^۸ در برخی موارد امام سجاد علیه‌السلام برای فهم مراد خداوند از سخنان پیامبر، امام علی، حضرت فاطمه و حسنین علیهم‌السلام

۱. طه: ۱۱۴

۲. «عن أبي حمزة الثمالي، قال: سئل علي بن الحسين عليهما السلام عن قوله تعالى: «وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا» قال: ما يقول الناس فيها قبلكم بالعراق؟ قال: يقولون انها مكة، قال: و هل رأيت السوق اكثر منه بمكة، قال: فما هو؟ قال: انما عنى به الرجال قال: و أين ذلك في كتاب الله؟ قال: أو ما تسمع الى قوله عز و جل «وَ كَأَيُّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا» و قال: «وَ تِلْكَ الْقُرَى أَهْلَكْنَاهُمْ» و قال: «وَ سئل الْقَرْيَةَ» أفتسأل القرية أو الرجال أو العير، قال: من هم؟ قال: نحن هم و قال: «سيروا فيها ليلالي وَ أَيَّاماً آمينين» أي آمينين من الزبيغ؛ (مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، ج ۴، ص ۱۳۰؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۳؛ مسند الإمام السجاد علیه‌السلام، ج ۱، ص ۴۱۴).

۳. انعام: ۱۶۰

۴. بقره: ۲۶۱

۵. بقره: ۲۴۵

۶. صحیفه سجادیه، دعای ۴۵ بند ۱۳

۷. دراسات فی علم الدراییه، ص ۱۳-۱۷؛ در این نوشتار مراد از معصوم، طبق اعتقاد شیعه، همان چهارده معصوم علیهم‌السلام هست؛ و روایت، خبر، سنت و حدیث به معنای یکسانی گرفته شده است.

۸. منطق تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۹۰ و ۹۱

استفاده می‌کند که از آن به روش تفسیر قرآن به روایت تعبیر می‌کنیم. به‌عنوان مثال در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، علیه‌السلام، در ضمن روایتی نقل شده که شخصی از امام علی بن الحسین، علیه‌السلام، معنای «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را پرسید. آن حضرت در پاسخ وی حدیثی را از پدرش که او هم از برادرش و او هم از امیر مؤمنان، علیه‌السلام، نقل کرده بود، در بیان معنای بسم الله الرحمن الرحيم ذکر فرمود.^۱ برحسب این روایت امام سجاد، علیه‌السلام، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را که نخستین آیه قرآن است با حدیثی از امیر مؤمنان علیه‌السلام، تفسیر کرده است.^۲

استناد به سخن معصومان پیشین علاوه بر تکریم و زنده نگه‌داشتن نام و یاد آن‌ها، مراجعه به روایات را به عموم مردم یادآوری می‌کند و گاهی زمینه پذیرش بهتر برای مخاطب ایجاد می‌کند. تفسیر روایی مستندات قرآنی، روایی و عقلی دارد^۳ و کارکردهای گوناگونی برای آن قابل تصور است، از جمله: تفسیر و توضیح آیه، تطبیق آیه بر مصداق خاص، بیان جزئیات آیات الاحکام، بیان آیات ناسخ و منسوخ در احادیث، بیان شأن نزول آیات در احادیث، بیان بطن و تأویل آیات در احادیث، آموزش روش صحیح تفسیر قرآن، بیان چگونگی روش تفسیر قرآن به قرآن و بیان معارف قرآن.^۴

امام سجاد علیه‌السلام در حدیثی تفسیر آیه مباحله را از امام حسن مجتبی علیه‌السلام چنین نقل کرده است: «... فَقَالَ اللَّهُ (تَعَالَى) لِمُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حِينَ جَحَدَهُ كَفَرَهُ أَهْلَ الْكِتَابِ وَ حَاجُوهُ: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهَلُ فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ»^۵ فَأَخْرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مِنَ الْأَنْفُسِ مَعَهُ أَبِي، وَ مِنَ الْبَيْنِ إِيَّايَ وَ أَخِي، وَ مِنَ النِّسَاءِ أُمِّي فَاطِمَةَ مِنَ النَّاسِ جَمِيعًا، فَنَحْنُ أَهْلُهُ وَ لَحْمُهُ وَ دَمُهُ وَ نَفْسُهُ، وَ نَحْنُ مِنْهُ وَ هُوَ مِنَّا»^۶.

۱. «... قام رجل الى علي بن الحسين، عليه السلام، فقال: اخبرني ما معنى بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؟ فقال: علي بن الحسين حدثني ابي، عن اخيه الحسن، عن امير المؤمنين، عليه السلام، ان رجلا قام اليه فقال: يا امير المؤمنين اخبرني عن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ما معناه؟ فقال: ان قولك الله اعظم اسم من اسماء الله عز و جل و هو الاسم الذي لا ينبغي ان يسمى به غير الله و لم يتسم به مخلوق فقال الرجل فما تفسير قول الله؟ قال هو الذي يتأله اليه عند الحوائج و الشدائد كل مخلوق عند انقطاع الرجاء من جميع من دونه و تقطع الاسباب من كل ما سواه و ذلك كل متأنس في هذه الدنيا و متعظم فيها و ان عظم غناه و طغيانه و كثر حوائج من دونه اليه فانهم سيحتاجون حوائج لا يقدر عليها فينقطع الى الله حين ضرورته و فاقتته حتى اذا كفى همه عاد الى شركه...» (البرهان في تفسير القرآن، ج ۱، ص ۱۰۴ حديث ۱۲، تفسير منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۷).

۲. مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۱۲۴ و ۱۲۵

۳. منطق تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۸۹

۴. همان، ص ۱۰۸-۱۱۵

۵. آل عمران: ۶۱

۶. الأمالی للطوسی، ص ۵۶۴

ج: روش تفسیر تاریخی

قرآن کریم کتاب هدایت است و قصص و تاریخ پیامبران و مردمان پیشین را طبق آیه «لقد كان في قصصهم عبرة لأولی الالباب»^۱ برای عبرت گیری دیگران بیان کرده است. امام سجاد علیه السلام در تفسیر برخی از آیات برای دیگران از قصص و تاریخ استفاده کرده‌اند؛ چراکه آگاهی از جزئیات داستان‌های قرآن کریم در برخی موارد برای فهم بهتر بعضی آیات کمک می‌کند. بیان ماجراهای تاریخی در گفتار امام سجاد علیه السلام را می‌توان در دو گروه عمده دسته‌بندی کرد: قسمت‌هایی از تاریخ که مربوط به ماجراهای انبیا و امت‌های قبلی است با عنوان «تاریخ امت‌های گذشته» و قسمت‌هایی از تاریخ که مربوط به امت اسلام و زمان نزول آیات قرآن کریم است با عنوان «سبب نزول آیات قرآن کریم» مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بخش اول: تاریخ امت‌های گذشته

امام سجاد علیه السلام گاهی برای تبیین برخی عبارات قرآن و رفع شبهاتی از ماجراهای تاریخی ذکر شده در قرآن، توضیحاتی از تاریخ امت‌های قبلی بیان کرده‌اند، از جمله شیخ صدوق در تفسیر عبارت «لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ»^۲ حدیثی از حضرت آورده است: عن علی بن الحسین علیهما السلام أنه قال: فی قول الله عزّ و جلّ «لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» قال: قامت امرأة العزیز إلى الصنم، فالقت علیه ثوبا فقال لها یوسف: ما هذا؟ قالت: أستحیی من الصنم أن یرانا فقال لها یوسف: أ تستحیین ممن لا یسمع و لا یربصر و لا یفقه و لا یأکل و لا یشرب و لا أستحیی أنا ممن خلق الانسان و علّمه فذلک قوله عزّ و جلّ: «لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ»^۳

نمونه دیگر تبیین ماجرای قابیل و هابیل و ذکر قربانی‌های آن‌ها است که امام به گوسفندی چاق و خوشه‌هایی پوسیده اشاره می‌کند که از قابیل پذیرفته نشد و قصد کشتن هابیل را نمود و تفصیل ماجرا را تا تولد فرزند دیگری برای آدم و حوا به نام هبئه الله را بیان فرموده است^۴

بخش دوم: سبب نزول آیات قرآن کریم (تاریخ صدر اسلام)

رویداد یا پرسشی را که به اقتضای آن قسمتی (یک آیه یا بخشی از آن و یا چند آیه و یا یک سوره) از قرآن کریم همزمان یا در پی آن نازل شده است «سبب نزول» می‌گویند و مجموع این رویدادها و پرسش‌ها «اسباب نزول» نامیده می‌شود^۵ که آگاهی از آن برای فهم بهتر آن آیات کمک می‌کند^۱، امام سجاد علیه السلام

۱. یوسف: ۱۱۱

۲. یوسف: ۲۴

۳. صحیفه الامام رضا علیه السلام ص ۸۲؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۵؛ مسند الإمام السجاد علیه السلام، ج ۱، ص ۴۰۶.

۴. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۶۵؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۱۹؛ مسند الإمام السجاد علیه السلام، ج ۱، ص ۳۸۸ و ۳۸۹.

۵. روش تفسیر قرآن، ص ۱۱۹؛ اسباب النزول، ص ۲۰

گاهی برای فهماندن بهتر مفهوم آیه یا تبیین مصادیق آن به ذکر سبب نزول آن اقدام کرده است که اغلب در آیات مربوط به فضایل اهل بیت علیهم السلام است از جمله در تفسیر آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ»^۱ امام سجاد علیه السلام فرموده است که درباره علی علیه السلام نازل شده است: قال علی بن الحسین علیهما السلام نزلت فی علی «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ»^۲ و در روایت دیگر آمده است: «عن علی بن الحسین صلوات الله علیهما فی قول الله عز و جل «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» قال: نزلت فی علی علیه السلام حین بات علی فراش رسول الله صلی الله علیه و آله»^۳

همچنین در تفسیر آیه «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»^۴ از حضرت نقل شده است که فرمود: «ناول رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم علی بن ابی طالب علیه السلام قبضه من تراب التی رمی بها فی وجوه المشرکین فقال الله «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»»^۵

امام زین العابدین علیه السلام در تفسیر آیات سوره دهر «إِنَّ الْأُبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا...»^۶ امام تفصیل ماجرا را ذکر کرده است: «عن جعفر بن محمد، عن أبيه عن جدّه علیهم السلام قال مرض الحسن و الحسين علیهما السلام مرضاً شديداً...»^۷

البته همه سبب نزول های ذکر شده از حضرت مربوط به فضایل اهل بیت علیهم السلام نیست، بلکه گاهی چگونگی تشریح احکام^۸، معرفی زن موهوبه^۹ و سبب نزول سوره لیل (مربوط به رفتار دو همسایه در مدینه)^{۱۰} نیز در روایات مربوط به تاریخ صدر اسلام آمده است.

۱. الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۲۰-۱۲۳؛ أسباب النزول القرآنی، ص ۲۶-۳۹؛ أسباب النزول، ص ۶۹-۱۰۲.

۲. بقره: ۲۰۷

۳. روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۰۴؛ مسند الإمام السجاد علیه السلام، ج ۱، ص ۳۸۳.

۴. الأمالی للطوسی، ص ۴۴۶؛ مسند الإمام السجاد علیه السلام، ج ۱، ص ۳۸۳.

۵. انفال: ۱۷

۶. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۵۲؛ مسند الإمام السجاد علیه السلام، ج ۱، ص ۳۹۲.

۷. انسان: ۵-۸

۸. تفسیر فرات، ص ۵۲۰-۵۲۶؛ بحار الانوار ج ۳۵، ص ۲۴۹؛ مسند الإمام السجاد علیه السلام، ج ۱، ص ۴۲۷.

۹. «عن علی بن الحسین علیهما السلام قال: قلت له: متى فرضت الصلاة على المسلمين على ما هم اليوم عليه؟ قال: بالمدينة حين ظهرت الدعوة و قوى الاسلام و كتب الله على المسلمين الجهاد زاد في الصلاة رسول الله صلى الله عليه و آله سبع ركعات، في الظهر ركعتين و في العصر ركعتين و في المغرب ركعة و في العشاء ركعتين و أقر الفجر على ما فرضت عليه بمكة، لتعجيل نزول الملكة الى الأرض و تعجيل عروج ملائكة الليل إلى السماء فكان ملائكة الليل و ملائكة النهار يشهدون مع رسول الله صلى الله عليه و آله الفجر و لذلك قال الله: «وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» يشهده المسلمون و تشهده ملائكة الليل و ملائكة النهار» (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۰۹؛ مسند الإمام السجاد علیه السلام، ج ۱، ص ۴۱۱ و ۴۱۲).

د: روش تفسیر عقلی

در میان روش‌های تفسیری، روش تفسیر عقلی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و تعبیرها و تعریف‌های گوناگونی از آن شده است. در میان مذاهب کلامی (شیعه، معتزله و اشاعره) برخوردهای متفاوتی با آن شده است. گاهی از این روش، به‌عنوان روش تفسیر اجتهادی و گاهی تحت عنوان یکی از اقسام روش تفسیر به رأی از آن یاد می‌شود. گاهی هم با گرایش فلسفی تفسیر، یکسان انگاشته می‌شود.^۳ آیت‌الله جوادی آملی در مورد «تفسیر قرآن به عقل» می‌نویسد: یکی از منابع علم تفسیر و اصول بررسی و تحقیق، برای دست‌یابی به معارف قرآنی، عقل برهانی است که از مغالطه، وهم و تخیل محفوظ باشد... تفسیر عقلی، یا به تطفن عقل از شواهد داخلی و خارجی صورت می‌پذیرد؛ به اینکه عقل فرزانه و تیزبین، معنای آیه‌ای را از جمع‌بندی آیات و روایات دریابد که در این قسم، عقل نقش «مصباح» دارد و نه بیش از آن؛ و چنین تفسیر عقلی مجتهدانه، چون از منابع نقلی محقق می‌شود، جزو تفسیر به مآثور محسوب می‌گردد، نه تفسیر عقلی، یا به استنباط برخی از مبادی تصویری و تصدیقی از منبع ذاتی عقل برهانی و علوم متعارفه صورت می‌پذیرد که در این قسم، عقل نقش منبع دارد، نه صرف مصباح. بنابراین، تفسیر عقلی، مخصوص موردی است که برخی از مبادی تصدیقی و مبانی مستور و مطوی برهان مطلب به‌وسیله عقل استنباط گردد و آیه موردبحث بر خصوص آن حمل شود.^۴ با این توضیح می‌توان روش تفسیر عقلی قرآن را چنین تعریف نمود:

استفاده ابزاری از برهان و قرائن عقلی در تفسیر، برای روشن کردن مفاهیم و مقاصد آیات قرآن؛ که در این صورت عقل، منبع و ابزار تفسیر قرآن شده و احکام و برهان‌های عقلی، قرائنی برای تفسیر آیات قرار می‌گیرد. از این عقل با عنوان عقل اکتسابی و احکام عقلی قطعی یا عقل برهانی یاد می‌شد.^۵

۱. «عن علی بن الحسین فی قوله «وَ امْرَأَةٌ مُؤْمِنَةٌ اِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ اِنْ شَرِيكَ الْاُزْدِيَّةِ الَّتِي وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ» (مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۹۲؛ مسند الإمام السجاد عليه السلام، ج ۱، ص ۴۱۸).

۲. عن علی بن الحسین علیهما السلام قال کان رجل مؤمن علی عهد النبی صلی الله علیه و آله فی دار له حدیقه و له جار له صبیة فکان یتساقط الرطب من النخلة فیبشر صبیانه فیاکلونه، فیدرون الموسر فیخرج الرطب، من جوف أفواه الصبیة، فشکی الرجل ذلك الی النبی صلی الله علیه و آله فأقبل وحده الی الرجل فقال بعنی حدیقتک هذه بحدیقه فی الجنة فقال له الموسر لا أبعک عاجلا بأجل فبکی النبی صلی الله علیه و آله و رجع نحو المسجد، فللقی أمير المؤمنین علی بن أبی طالب علیه السلام. فقال یا رسول الله ما بیکیک لا أبکی الله عینیک فأخبره خیر الرجل الضعیف و الحدیقه فأقبل أمير المؤمنین نحو الرجل الموسر حتی استخرجه من منزله و قال له بعنی دارک، قال الموسر بحانطک الحسینی فصفق علی یده و دار الی الضعیف فقال له دور الی دارک فقد ملککها الله رب العالمین و أقبل أمير المؤمنین علیه السلام و نزل جبرئیل فقال له یا محمد اقرأ «وَ اللَّیْلُ اِذَا یَغْشَى الی آخر السورة فقام النبی صلی الله علیه و آله فقبل بین عینیة ثم قال بأبی أنت و أمی و قد انزل فیک هذه السورة كاملة» (تفسیر فرات، ص ۵۶۵؛ مسند الإمام السجاد علیه السلام، ج ۱، ص ۴۳۲).

۳. منطق تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۱۴۱.

۴. تسنیم، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۲

۵. منطق تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۱۵۵

نمونه‌ای از تفسیر عقلی را می‌توان در تفسیر آیه «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى»^۱ ملاحظه کرد:

«عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ قَالَ سَأَلْتُ زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَّالُهُ هَلْ يُوصَفُ بِمَكَانٍ فَقَالَ تَعَالَى عَنْ ذَلِكَ قُلْتُ فَلَمَّا أُسْرِيَ بِنَبِيِّ مُحَمَّدٍ ص إِلَى السَّمَاءِ قَالَ لِيُرِيَهُ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِيهَا مِنْ عَجَائِبِ صُنْعِهِ وَ بَدَائِعِ خَلْقِهِ قُلْتُ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى قَالَ ذَاكَ رَسُولُ اللَّهِ ص دَنَا مِنْ حُجْبِ النُّورِ فَرَأَى مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ ثُمَّ تَدَلَّى ص فَنَظَرَ مِنْ تَحْتِهِ إِلَى مَلَكُوتِ الْأَرْضِ حَتَّى ظَنَّ أَنَّهُ فِي الْقُرْبِ مِنَ الْأَرْضِ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى»^۲.

امام سجاد علیه‌السلام در پاسخ ثابت بن دینار که سؤال کرده بود: آیا خداوند دارای مکان است؟ فرمود: خداوند از نیاز به مکان منزّه است. ثابت سؤال می‌کند: پس چگونه خداوند درباره معراج پیامبر صلی‌الله علیه و آله می‌فرماید: ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى؟ امام می‌فرماید: مقصود از آن رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و سلم است که نزدیک پرده‌های نور شد و ملکوت آسمان‌ها را دید و سپس نزدیک‌تر شد و در زیر پای خود ملکوت زمین را نگریست تا جایی که گمان کرد که به اندازه فاصله دو سر کمان به زمین نزدیک شده است. منظور آن است که پیامبر صلی‌الله علیه و آله به حجاب‌های نورانی نزدیک شد و ملکوت آسمان‌ها را نگریست سپس و از ناحیه زیر به ملکوت زمین نگاه کرد تا جایی که خیال کرد آن قدر نزدیک شده است که به اندازه دو طرف کمان یا نزدیک‌تر گردیده است.

هـ: روش تفسیر با علم امامت

همه روش‌های فوق‌الذکر قابل‌تعلیم و تعلم هستند؛ ولی تفسیر با علم امامت در گونه‌های مختلف تبیین، بیان تفصیل احکام و تعیین مصداق باطنی قابل‌تعلیم و تعلم برای عموم مسلمانان نبوده و مخصوص مقام امامت هستند؛ توضیح آنکه بر طبق اعتقاد شیعه، ائمه علیهم‌السلام مأموریت هدایت انسان‌ها در تمام جنبه‌های مادی و معنوی را دارند و قلمرو مأموریتشان جسم و جان و دنیا و آخرت است؛ لذا باید سهمی بسیار بزرگ از علم وراثتی داشته باشند تا بتوانند به‌خوبی از عهده انجام این مسئولیت برآیند و حتی می‌توان گفت نخستین شرط برای تصدی مقام امامت علم و آگاهی و دانش است نسبت به تمام معارف دینی و نیازهای مردم و آنچه در امر تعلیم و تربیت و هدایت و اداره جوامع انسانی لازم است و بدون چنان علمی این مسئولیت هرگز به انجام نمی‌رسد.^۳ بر این اساس امام تفسیر برخی از آیات را مطرح کرده است که با شیوه‌های معمولی یعنی بر اساس قواعد عقلایی محاوره و ادبیات عرب قابل‌دسترسی نیستند، لذا در این شیوه یا باید به‌صورت تعبدی از امام این

۱. نجم: ۸ و ۹

۲. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۱ و ۱۳۲؛ الامالی للصدوق، ص ۱۵۰

۳. پیام قرآن؛ ج ۹، ص ۱۱۶ و ۱۱۷

احادیث را پذیرفت (همانند عموم شیعیان) یا باید حجیت سخن امام را بر اساس دلایل عقلی و نقلی اثبات کرد، در هر صورت این شیوه اختصاصی معصومان علیهم السلام بوده و از سایر علما پذیرفتنی نیست. تفسیر امام بر اساس علم امامت را در دو گروه کلی می توان دسته بندی کرد: «تبیین معانی آیات و تفصیل آیات الاحکام» و «تعیین مصداق باطنی و جری و تطبیق».

الف: تبیین معانی آیات و تفصیل آیات الاحکام

امام زین العابدین علیه السلام گاهی به بیان معنای آیات قرآن کریم پرداخته اند، بدون اینکه دلیلی بر سخن خود ارائه نمایند، بی شک در چنین مواردی می توان گفت که امام از روی علم امامت به تفسیر پرداخته است، از جمله وقتی از حضرت درباره آیه «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ»^۲ و فاصله بین دو نفخه اول و دوم سؤال می شود می فرماید: هر آنچه خدا بخواهد، آنگاه چگونگی آن را توضیح می دهد:

«عن ثوير بن ابي فاختة، عن علي بن الحسين عليهما السلام قال: سئل عن النفختين كم بينهما؟ قال: ما شاء الله فقبل له فاخبرني يا ابن رسول الله كيف ينفخ فيه فقال النفخة الأولى فان الله يأمر إسرافيل فيهبط إلى الأرض و معه الصور و للصور رأس واحد و طرفان و بين طرف كل رأس منهما ما بين السماء و الأرض قال: فاذا رأت الملائكة إسرافيل و قد هبط إلى الدنيا و معه الصور قالوا: قد أذن الله في موت أهل الأرض و في موت أهل السماء...»^۳

در تفاسیر ذیل آیه «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»^۴ از امام سجاد علیه السلام چنین روایت شده است: «قال علي بن الحسين عليهما السلام: ان القبر روضة من رياض الجنة أو حفرة من حفر النيران»^۵

امام گاهی معنای واژه ای را توضیح داده است،^۶ و گاهی حکمت و فلسفه ای از احکام را تبیین کرده است^۱ و گاهی تبیین حضرت را می توان از ادعیه صحیفه سجادیه به دست آورد، به عنوان نمونه تفسیر عبارت «إِنَّ هُمْ

۱. ر. ک. بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن در دیدگاه فریقین، ص ۱۵۱-۱۸۷

۲. زمهر: ۶۸

۳. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۵۲؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۳۲۱.

۴. مؤمنون: ۱۰۰

۵. الخصال، ج ۱، ص ۱۱۹؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۹۳؛ مسند الإمام السجاد علیه السلام، ج ۱، ص ۴۱۴.

۶. مثال اول: «عن عمرو بن ثابت، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه قال قال لي علي بن الحسين زين العابدين عليهم السلام في قول الله عز و جل «فَأُصْفِحَ الصُّفْحَ الْجَبِيلِ» قال العفو من غير عتاب» (الأمالي للصدوق، ص ۳۳۶؛ مسند الإمام السجاد علیه السلام، ج ۱، ص ۴۱۰).

مثال دوم: «حدثنا محمد بن القاسم الأسترآبادي، قال: حدثنا يوسف بن محمد بن زياد و علي بن محمد بن سيّار، عن أبيهما، عن الحسن بن علي، عن أبيه، عن علي بن محمد عن أبيه، محمد بن علي، عن أبيه علي بن موسى الرضا، عن أبيه موسى بن جعفر، عن أبيه جعفر بن محمد، عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه علي بن الحسين عليهم السلام في قول الله عز و جل: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا» (بقره: ۲۲) قال: جعلها ملائمة لطباعكم موافقة لأجسادكم لم يجعلها شديدة الحمى و الحرارة فتحرقكم و لا شديدة البرد فتجمدكم و لا شديدة طيب الرّيح فتصدع هاماتكم و لا شديدة التّن فتعطبكم و لا شديدة اللين فتغرقكم و

إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا»^۲ را می‌توان از عبارت زیر فهمید که عدم شکر نعمت‌ها انسان را به حد حیوان و بلکه پست‌تر از آن می‌رساند: «وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَن عِبَادِهِ مَعْرِفَةً حَمَدِهِ عَلَى مَا أُبْلَاهُمْ مِنْ مَنِّهِ الْمُتَتَابِعَةَ، وَ أَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَظَاهِرَةَ، لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَ تَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ. وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: «إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا»^۳.

امام روزه گرفتن برای کفاره قسم در تفسیر آیه «فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةٌ أَيَّمَانِكُمْ، إِذَا حَلَفْتُمْ»^۴ را سه روز متوالی می‌داند: «عن الزهري عن علي بن الحسين عليهما السلام قال: صيام ثلاثة أيام في كفارة اليمين واجب لمن لم يجد الاطعام، قال الله «فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةٌ أَيَّمَانِكُمْ، إِذَا حَلَفْتُمْ» كل ذلك متتابع ليس بمفترق»^۵

ب: تعیین مصداق باطنی و تطبیق با مصداق

در این روش آیات با واقعیات و حوادث محسوس یا انسان‌هایی خاص تطبیق می‌یابد، در فرایند تطبیق، مفهوم آیات، چهره‌ای عینی به خود می‌گیرد. به بیان دیگر توسعه دادن مفهومی از آیات قرآن کریم و تفسیر کردن آن در زمان جاری در این بخش مورد تحلیل قرار می‌گیرد، لازم به یادسپاری است که هم ذکر معانی باطنی و هم تعیین مصداق آیات هر دو فقط از طریق علم امامت طرح می‌گردد. هرچند بیان بطن و تأویل آیه، ما را در

لا شديده الصلابة فتمتنع عليكم في دوركم و أبنيتكم و قبور موتاكم. لكنه عز و جل جعل فيها من المتانة ما تنتفعون به و تتماسكون و تتماسك عليها أبدانكم و بنيانكم و جعل فيها ما تنقاد به لدوركم و قبوركم و كثير من منافعكم فلذلك جعل الأرض فراشا لكم، ثم قال عز و جل و السماء بناء أي سقفا من فوقكم محفوظا يريدها فيها شمسها و قمرها و نجومها لمنافعكم ثم قال عز و جل: و أنزل من السماء ماء يعني المطر نزله من العلى ليبلغ قلال جبالكم و تلالكم و هضا بكم و أوهادكم. ثم فرقه رذاذا و ابلا و هطلا و طلا لتشفه أرضوكم و لم يجعل ذلك المطر نازلا عليكم قطعة واحدة فيفسد أرضيكم و أشجاركم و زروعكم و ثماركم، ثم قال عز و جل «فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُندَادًا» (بقره: ۲۲) أي أشباهها و أمثالا من الأصنام التي لا تعقل و لا تسمع و لا تبصر و لا تقدر على شيء و أنتم تعلمون أنها لا تقدر على شيء من هذه النعم الجليلة التي أنعم عليكم ربكم تبارك و تعالی» (التوحيد: ص ۴۰۳ و ۴۰۴؛ عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۷؛ مسند الإمام السجاد عليه السلام، ج ۱، ص ۳۸۳)

۱. «عن علي بن الحسين عليهما السلام: في تفسير قوله تعالى: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ» الآية (بقره: ۱۷۹) و لكم يا امه محمد في القصاص حياة لأن من هم بالقتل فعرف أنه يقتص منه فكف لذلك عن القتل كان حياة للذي هم يقتله و حياة لهذا الجافي الذي أراد أن يقتل و حياة لغيرهما من الناس اذ اعلموا أن القصاص واجب لا يجسرون على القتل مخافة القصاص يا أولى الباب: اولی العقول لعلكم لتقون ثم قال: عباد الله هذا قصاص قتلکم لمن تقتلون في الدنيا و تفنون روحه أ فلا انبئکم باعظم من هذا القتل و ما يوجب الله على قائله مما هو أعظم من هذا القصاص؟ قالوا بلى يا بن رسول الله قال: أعظم من هذا القتل أن يقتله قتلا لا يجبر و لا يحيى بعده أبدا قالوا: ما هو؟ قال: ان يضل عن نبوة محمد و عن ولاية علي بن أبي طالب و يسلك به غير سبيل الله و يغير به باتباع طريق اعداء علي و القول باماتهم و دفع على عن حقه و جحد فضله و ان لا يبالي باعطائه واجب تعظيمه، فهذا هو القتل الذي هو تخليد المقتول في نار جهنم، خالدا مخلدا ابدا، فجزاء هذا القتل مثل ذلك الخلود في نار جهنم». (الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۹؛ مسند الإمام السجاد عليه السلام، ج ۱، ص ۳۸۴).

۲. اعراف: ۱۷۹؛ فرقان: ۴۴

۳. صحيفه سجاديه، دعای اول بند ۸ و ۹

۴. مانند: ۸۹

۵. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۳۸، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۲۶؛ مسند الإمام السجاد عليه السلام، ج ۱، ص ۳۸۹.

فهم عمیق آیه کمک می‌کند و گاهی در تفسیر آیه نیز تأثیر می‌گذارد؛ ولی از نظر اصطلاحی، تأویل و بطن، جزئی از تفسیر به شمار نمی‌آید؛ اما روش مرسوم مفسران آن است که بطن و تأویل آیه را نیز در کتاب‌های تفسیر می‌آورند.^۱ نمونه‌هایی از تطبیق معانی آیات بر معانی باطنی را چنین است:

- امام منظور از گواهان بر مردم را اهل بیت علیهم السلام می‌داند: «عن زین العابدین علیه السلام فی قوله تعالی «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» قال نحن هم»^۲

- امام آیه «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا»^۳ مربوط به اصحاب حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌داند: «عن ابي خالد الكابلي عن سيد العابدین علی بن الحسین علیهما السلام قال: المفقودون عن فرسهم ثلاثمائة و ثلاثه عشر رجلا عدة أهل بدر فيصبحون بمكة و هو قول الله عز و جل «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا» هم اصحاب القائم علیه السلام»^۴

- امام زین العابدین علیه السلام در تفسیر آیه «أَ وَ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا»^۵ می‌فرماید: «عن جابر، عن ابي جعفر علیه السلام قال: كان علی بن الحسین علیهما السلام يقول: إنه يسخر نفسی فی سرعته الموت و القتل فينا قول الله: «أَ وَ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا» و هو ذهاب العلماء»^۶

- امام مراد از اهل الذکر در آیه «فَسئَلُوا أَهْلَ الذَّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۷ را اهل بیت می‌داند و بر شیعیان واجب است که به آن‌ها مراجعه کنند: «عن ابي الحسن الرضا علیه السلام، قال: سمعته يقول: «قال علی بن الحسین علیه السلام: علی الأئمة من الفرض ما ليس علی شيعتهم، و علی شيعتنا ما ليس علينا، أمرهم الله عز و جل أن يسألونا، قال «فَسئَلُوا أَهْلَ الذَّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» فأمرهم أن يسألونا، و ليس علينا الجواب، إن شئنا أجبتنا، و إن شئنا أمسكتنا»^۸

ذکر سه نکته در اینجا ضروری است:

۱. منطق تفسیر قرآن، ج ۲ ص ۱۱۲

۲. مناقب آل ابي طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۱۲۹؛ مسند الإمام السجاد علیه السلام، ج ۱، ص ۳۸۵.

۳. بقره: ۱۴۸

۴. کمال‌الدین و تمام النعمه، ص ۶۵۴؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۶؛ مسند الإمام السجاد علیه السلام، ج ۱، ص ۳۸۳.

۵. رعد: ۴۱

۶. الکافی، ج ۱، ص ۹۳؛ مسند الإمام السجاد علیه السلام، ج ۱، ص ۴۰۰.

۷. نحل: ۴۳؛ انبیاء: ۷

۸. الکافی، ج ۱؛ ص ۵۲۶؛ بصائر الدرجات، ص ۳۸.

الف: گاهی از بیان امام می‌توان فهمید که مراد تفسیر آیه قرآن و تبیین مصداق آن است، از جمله از عبارت زیر می‌توان فهمید که امام مصداق «اهدنا الصراط المستقیم»^۱ را در سوره حمد بیان می‌کند: «الْتَّمَالِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ حُجَّتِهِ حِجَابٌ فَلَا لِلَّهِ دُونَ حُجَّتِهِ سِتْرٌ نَحْنُ أَبْوَابُ اللَّهِ وَ نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَ نَحْنُ عَيْبَةُ عِلْمِهِ وَ نَحْنُ تَرَاجِمُهُ وَ حِيَهُ وَ نَحْنُ أَرْكَانُ تَوْحِيدِهِ وَ نَحْنُ مَوْضِعُ سِرِّهِ»^۲

ب: در برخی موارد هدف امام تعیین مصداق کامل آیه است نه انحصار مصداق که البته در هر مورد باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، به عنوان نمونه امام در تعیین مصداق کسانی که جان خود را در راه خدا می‌فروشند (آیه وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ)^۳، اولین مصداق را معرفی کرده است که اولین کسی که جان خود را در راه خداوند فروخت، امام علی علیه السلام است: «عن علی بن الحسين عليهما السلام قال: إن أول من شرى نفسه ابتغاء مرضاة الله على ابن أبي طالب عليه السلام»^۴.

ج: در برخی موارد می‌توان از یک روایت امام چندین روش را برداشت نمود، به عنوان نمونه از این روایت هم می‌توان روش قرآن به قرآن و هم روش تبیین با علم امامت را برداشت کرد که بیانگر محدود نبودن به روش تفسیری خاص و به بیانی جامعیت تفسیر حضرت امام سجاد علیه السلام است:

«عن عبدالله بن غالب، عن أبيه عن رجل، قال: سألت علي بن الحسين عليهما السلام عن قول الله: «وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ»^۵ قال: عنى بذلك ما خالفنا من هذه الأمة و كلهم يخالف بعضهم بعضا فى دينهم و أما قوله: «إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَ لِذَلِكَ خَلَقَهُمْ»^۶ فأولئك اولياؤنا من المؤمنين و لذلك خلقهم من الطينة الطيبة أ ما تسمع لقول إبراهيم: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ»^۷ قال: ايانا عنى و اوليائه و شيعة و شيعة وصيه قال: «وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمْتَعَهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ»^۸ قال: عنى بذلك و الله من جحد وصيه و لم يتبعه من أمته و كذلك و الله حال هذه الامة»^۹

۱. حمد: ۶

۲. معانى الاخبار، ص ۳۵؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۲.

۳. بقره: ۲۰۷

۴. شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۱۳۰؛ مناقب آل ابى طالب عليهم السلام، ج ۲، ص ۶۴، مسند الإمام السجاد عليه السلام، ج ۱، ص ۳۸۵.

۵. هود: ۱۱۸

۶. هود: ۱۱۹

۷. بقره: ۱۲۶

۸. بقره: ۱۲۶

۹. تفسير العياشى، ج ۲، ص ۱۶۴؛ مسند الإمام السجاد عليه السلام، ج ۱، ص ۴۰۰.

نتیجه

یکی از نقش‌های اساسی اهل‌بیت علیهم‌السلام در ضمن بیان روایت‌های تفسیری، تعلیم اسلوب و روش فهم قرآن بوده است و رهیافت به روش صحیح تفسیر که همان روش راسخان در علم است. بررسی روش تفسیری امام سجاد علیه‌السلام از جهاتی حائز اهمیت خاص است زیرا آن حضرت برای عموم مسلمانان به‌عنوان یکی از تابعان دانشمند مطرح و مورد احترام علمی فریقین است و چندین مفسر از شاگردان حضرت می‌باشند و از دیدگاه شیعه از راسخان در علم و آگاه‌ترین افراد به معانی قرآن است که در دوران اختناق شدید سیاسی و پیدایش فرق کلامی مرجئه و مشبهه امامت شیعیان را برعهده گرفته است، لذا بررسی روش تفسیری حضرت اهمیت دوچندان می‌یابد که با جمع‌آوری روایات تفسیری و در نظر گرفتن ادعیه نقل‌شده از حضرت به شیوه کتابخانه‌ای و تحلیل روایات، سعی شده تا مهم‌ترین روش‌های تفسیری حضرت روشن گردد.

مقصود از احادیث تفسیری، احادیثی است که به شأنی از شئون آیات قرآن کریم (از قبیل نزول، قرائت، بیان معنای ظاهری، بیان معنای باطنی، تنزیل یا تأویل) مربوط است و «روش تفسیری» استفاده از منابع ویژه در کشف مراد جدی خداوند است که امام سجاد علیه‌السلام برای نیل به این مقصود از چندین روش (ابزار یا منابع) استفاده کرده است که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

روش تفسیر قرآن به قرآن، روش تفسیر قرآن به روایت معصومان پیشین علیهم‌السلام، روش تفسیر تاریخی (تاریخ امت‌های گذشته و تاریخ صدر اسلام با عنوان اسباب نزول آیات)، روش تفسیر عقلی (عقل برهانی) و روش تفسیر با علم امامت که شامل دو گروه کلی تبیین معانی آیات و تفصیل آیات الاحکام و همچنین تعیین مصداق باطنی و تطبیق با مصداق می‌گردد.

امام سجاد علیه‌السلام از ابزارها و منابع گوناگونی برای تفسیر آیات قرآن استفاده کرده و چه‌بسا در تفسیر یک آیه از روش‌های مختلف استفاده کرده است که جامعیت روش تفسیری اهل‌بیت علیهم‌السلام (یا جامعیت روش تفسیر مورد تأیید اهل‌بیت علیهم‌السلام) را می‌رساند. چراکه عمل ائمه علیهم‌السلام برای عموم پیروانشان الگو و مورد استناد است.

تفسیر امام روشمند و قابل یادگیری است، البته باید روش تفسیر بر مبنای علم امامت را از آن استثناء نمود؛ زیرا قابل تعلیم و تعلم نیست و اختصاصی اهل‌بیت علیهم‌السلام است؛ اما پیروان ائمه علیهم‌السلام می‌توانند به روایات صحیح تفسیر ائمه بر اساس علم امامت استناد کنند حتی اگر نتوانند برای چنین تفاسیری از عرف یا قواعد عقلایی محاوره دلیلی ارائه نمایند.

منابع

قرآن کریم (ترجمه فولادوند).

۱. آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان علیهم‌السلام، رستمی، علی‌اکبر، کتاب مبین، ایران، رشت، ۱۳۸۰ ش.
۲. الإیتقان فی علوم القرآن، سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، دار الکتب العربی، لبنان، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
۳. الإحتجاج علی أهل اللجاج، طبرسی، احمد بن علی، نشر مرتضی، ایران، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
۴. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مفید، محمد بن محمد، کنگره شیخ مفید، ایران، قم، ۱۴۱۳ ق.
۵. اسباب اختلاف حدیث، احسانی فر لنگرودی، محمد، دار الحدیث، ایران، قم، ۱۳۸۵ ش.
۶. أسباب النزول القرآنی، عنایت، غازی، دار الجیل، لبنان، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۷. اسباب النزول، حجتی، محمدباقر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ایران، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۸. اسناد و مشایخ راویان صحیفه کامله، پهلوان، منصور، علوم حدیث، ش ۱۲، سال ۱۳۷۸.
۹. الأمالی، ابن‌بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، کتابچی، ایران، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۱۰. الأمالی، طوسی، محمد بن حسن، دار الثقافه، ایران، قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. امام سجاد علیه‌السلام و قرآن، جایگاه قرآن در روایات تفسیری امام سجاد علیه‌السلام، جلالی کندری، سهیلا و میثاقی، عذرا، بینات، ش ۶۸، زمستان ۱۳۸۹.
۱۲. امام سجاد و روشهای تفسیری، اسدی نسب، محمدعلی، فرهنگ کوثر، شماره ۵۷، بهار ۸۳.
۱۳. بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم‌السلام، مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، موسسه الوفاء، لبنان، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن در دیدگاه فریقین، نجار زادگان، فتح‌الله، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه/سمت، ایران، قم/تهران، ۱۳۸۸ ش.
۱۵. بررسی نقش صحیفه سجادیه در تفسیر قرآن (پایان‌نامه)، صبوری، امید، استاد راهنما: محسن صمدانیان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷.
۱۶. البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، هاشم بن سلیمان، موسسه بعثت، ایران، قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، صفار، محمد بن حسن، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ایران، قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. پیام قرآن، مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، ایران، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۹. تسنیم، جوادی آملی، عبدالله، اسراء، ایران، قم، زمستان ۱۳۸۸ ش.

۲۰. تفسیر التابعین، خضیری، محمد بن عبدالله، دار الوطن، عربستان، ریاض، ۱۴۲۰ ق.
۲۱. تفسیر العیاشی، عیاشی، محمد بن مسعود، مکتبۃ العلمیۃ الاسلامیۃ، ایران، تهران، ۱۳۸۰ ق.
۲۲. تفسیر القمی، قمی، علی بن ابراهیم، دار الکتب، ایران، قم، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، حسن بن علی عسکری علیهما السلام، امام یازدهم، نشر مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ایران، قم، ۱۴۰۹ ق.
۲۴. تفسیر فرات الکوفی، فرات بن ابراهیم، مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ایران، تهران، ۱۴۱۰ ق.
۲۵. تفسیر فریقین (تاریخ، مبانی، اصول، منابع)، بهجت پور، عبدالکریم، آثار نفیس، ایران، قم، ۱۳۹۱ ش.
۲۶. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، دارالکتب الاسلامیۃ، ایران، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۲۷. تفسیر و مفسران، معرفت، محمدهادی، مؤسسه فرهنگی تمهید، ایران، قم، ۱۳۷۹ ش.
۲۸. التوحید، ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ایران، قم، ۱۳۹۸ ق.
۲۹. الجامع الصحیح، مسلم بن حجاج، دار الفکر، لبنان، بیروت، [بی تا].
۳۰. جایگاه تأویل در روایات تفسیری امام سجاد علیه السلام، پهلوان، منصور و آگاهی، معصومه، مجله سفینه، ش ۲۷، تابستان ۱۳۸۹.
۳۱. حیاة الإمام زین العابدین علیه السلام، شریف قرشی، باقر، دار الأضواء، لبنان، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
۳۲. الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف، ایران، قم، ۱۴۰۹ ق.
۳۳. الخصال، ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ایران، قم، ۱۴۰۳ ق.
۳۴. دراسات فی علم الدراية (تلخیص مقباس الهدایة)، غفاری، علی اکبر، سمت و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ایران، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۳۵. الذریعة الى تصانیف الشیعة، آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، دارالاضواء، لبنان، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۳۶. روایات تفسیری شیعه: گونه شناسی و حجیت، مهریزی، مهدی، علوم حدیث، ش ۵۵، بهار ۱۳۸۹.
۳۷. روش تفسیر قرآن، رجبی، محمود، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ایران، قم، ۱۳۸۳ ش.
۳۸. روش و مبانی تفسیر اهل بیت علیهم السلام (پایان نامه)، بنگری، عبدالله، استاد راهنما: محمدهادی معرفت، دانشکده اصول دین، قم، ۱۳۷۹.
۳۹. روش شناسی تفسیر معصومان (پایان نامه)، رستمی، علی اکبر، استاد راهنما: محمدهادی معرفت، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۷۹.

۴۰. روشهای تفسیر قرآن، مؤدب، سید رضا، اشراق، ایران، قم، ۱۳۸۰ ش.
۴۱. روضه الواعظین و بصیره المتعظین، فتال نیشابوری، محمد بن احمد، انتشارات رضی، ایران، قم، ۱۳۷۵ ش.
۴۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ایران، قم، ۱۴۰۴ ق.
۴۳. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، ایران، تهران، [بی تا]
۴۴. صحیفه الامام رضا علیه السلام، علی بن موسی علیهما السلام، امام هشتم، تحقیق: محمد مهدی نجف، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ایران، مشهد، ۱۴۰۶ ق
۴۵. صحیح البخاری، بخاری، محمد بن اسماعیل، دار الفکر، لبنان، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
۴۶. صحیفه سجادیه، علی بن الحسین علیهما السلام، امام چهارم، ترجمه: علی شیروانی، دار الفکر، ایران، قم، ۱۳۸۲ ش.
۴۷. طبقات مفسران شیعه، عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، نوید اسلام، ایران، قم، ۱۳۸۷ ش.
۴۸. العقیده الاسلامیه، سبحانی، جعفر، موسسه امام صادق علیه السلام، ایران، قم، ۱۳۸۶ ش.
۴۹. علل الشرایع، ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، انتشارات مکتبه الداوری، ایران، قم، [بی تا].
۵۰. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، نشر جهان، ایران، تهران، ۱۳۷۸ ق.
۵۱. الغارات، ثقفی، ابراهیم بن محمد، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ایران، تهران، ۱۳۹۵ ق.
۵۲. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، دار الحدیث، ایران، قم، ۱۴۲۹ ق.
۵۳. كشف الغمة فی معرفة الاثمه، اربلی، علی بن عیسی، دار الاضواء، لبنان، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۵۴. کمال الدین و تمام النعمه، ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، اسلامیه، ایران، تهران، ۱۳۹۵ ق.
۵۵. گونه شناسی مکتب تفسیری امام سجاد علیه السلام با تأکید بر جریانات عصری (پایان نامه)، خوش رنگ، محبوبه، استاد راهنما: محسن قاسم پور، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۱.
۵۶. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، هیشمی، علی بن ابی بکر، دارالکتب العلمیه، لبنان، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۵۷. مسند الإمام السجاد أبی محمد علی بن الحسین علیهما السلام، عطاردی، عزیز الله، عطارد، ایران، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۵۸. معانی الاخبار، ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، انتشارات اسلامی، ایران، قم، ۱۳۶۱ ش.
۵۹. مکاتب تفسیری، بابایی، علی اکبر، سمت، ایران، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۶۰. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب، محمد بن علی، نشر علامه، ایران، قم، ۱۳۷۹ ق.

۶۱. منطق تفسیر قرآن، رضایی اصفهانی، محمدعلی، جامعه المصطفی، ایران، قم، ۱۳۸۷ ش.
۶۲. منهج تفسیری اهل بیت علیهم السلام (پایان نامه)، شریفانی، محمد، استاد راهنما: محمدباقر حجتی، مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم، ۱۳۷۳.
۶۳. المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، محمدحسین، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، ایران، قم، ۱۴۱۷ ق.